

مدیریت اقتصادی

در شرایط بحرانی

از: باژید مردوخ، کارشناس صنعتی وزارت برنامه و بودجه

و مهم این مبادلات در تولید ملی آن کشور، بستگی دارد. تاثیر جنگ و محاصره اقتصادی بر بخش صنعت و واحدهای صنعتی نیز، به درجه وابستگی تولید صنعتی به واردات مواد اولیه، واسطه و ماشین آلات از خارج مربوط است. به وجود این یکی از اثرات مهم جنگها که در مورد آن شواهد تاریخی و همچنین انتقال نظر وجود دارد. پیشرفتهای تکنولوژیک است که معمولاً در اثر بروز خلافتها و ابتکارات در شرایط اضطراری جنگی، حاصل می شود.

مدیریت اقتصادی در شرایط بحرانی - چه در سطح کلان و چه در سطح خرد - موضوع اصلی این گفتار است که در رابطه با بخش صنعت سر به بررسی قرار گرفته و در ادامه، تجربه های تاریخی مربوط به ایران و ژاپن به اختصار بیان می گردد. مدیریت اقتصادی در شرایط بحرانی و بزرگسای آن در سطح خرد نیز به اختصار تشریح شده و یک نمونه از تجربه تجاری مربوط به یک واحد صنعتی از انگلستان به صورت تفصیلی معرفی می شود که در سطح واحدهای تولیدی، به تصویر کلی از وضعیت فعلی و آینده بخش صنعت ایران، به جمع بندی نتایج قبلی پرداخته و برای مقابله با شرایط بحرانی، خطوط کلی پیشنهادی که در سطح واحدهای تولیدی، به خط تولید و نگهداری سرمایه استاتی تولید کمک می کند، مطرح می شود.

۲. مدیریت اقتصادی کلان در شرایط بحرانی و جنگ

هنگامی که دامنه تاثیر جنگ و محاصره اقتصادی گسترش می یابد و شرایط بحرانی ابعاد ملی و بخشی پیدا می کند، مکتبیزم تخصیص منابع در اقتصاد کشور مشخص افتلال می گردد و لذا تغییر اگتالته مکتبیزم تخصیص منابع از سوی دولت ضرورت پیدا می کند. دولتها در چنین شرایطی امر مهم تخصیص منابع را به نظام قیمت ها و نیروهای بازار اگذار نمی کنند حتی در از افترنی نظام های اقتصادی، هرگاه یکی از این شرایط (جنگ و محاصره اقتصادی) بروز کرده است، دولتها امر تخصیص منابع را به عهده گرفته اند. چارچوب اجرایی این امر توسط دولتهاست که برنامه ریزی شرایط بحرانی و مدیریت اقتصادی در شرایط بحرانی نام گرفته است.

تخصیص منابع توسط دولت با برنامه ریزی و مدیریت اقتصادی در شرایط بحرانی از این جهت ضرورت پیدا می کند که در حالت جنگ دولت بطور طبیعی به عهده تری معرف کننده محصول نظام اقتصادی تهابیل می گردد و تخصیص منابع باید بگونه ای صورت گیرد که هدف اصلی

زمانی که در سال ۵۶ برای جمعیت ۳۲ میلیون ایرانی ۱۰ میلیارد دلار درآمد ارزی در سال پیش بینی شد کمتر کسی تصور می کرد که در آینده ای نه چندان دور باید برای جمعیت بیشتر از این تعداد و با درآمدی کمتر از این میزان برنامه ریزی و بودجه بندی شود. از سال ۵۸ تا حال در فاصله ای نسبتاً کوتاه، تحولات بسیار عمیق در ایران اتفاق افتاده است که تاثیرات خاص آن به خصوص در زمینه مورد بحث ما (مسائل اقتصادی) بسیار قابل ملاحظه می باشد. برپروزی انقلاب اسلامی ایران را در برابر نظام سرمایه داری جهانی قرار داد که این رویارویی، محاصره اقتصادی، جنگ تحمیلی و نهایتاً سقوط های نفت و کاهش درآمد ارزی را به دنبال خود داشت که هر یک از اینها، جنگ تحمیلی و می توانست بر این کشور تاثیرات بسیار برای کشور تجربه جهت رسیدن به استقلال و خودتکلی اقتصادی باشد. در این میان تجربه بسیج امکانات، انتقال برنامه ها و سیاستها مناسب و بسیاری از بارافزهای دیگر می باید محور برخورد آئینشده قرار گیرد تا نهایتاً مناسبترین برخورد در محاربه عملی تجربه شده و مناسبتی حرکت قرار گیرد. شاید درک این ضرورت باعث هتکاری دانشگاه تهران و بنیاد مستضعفان برای برگزاری اولین سمینارهای از وابستگی به درآمد نفت محصور شده شد و اگر چنین باشد این سمینار (که فارغانه آن در همین شماره ماهنامه ارزیابی شده است) می توانست یک گام مثبت برای برخورد با مسائل اقتصادی جامعه تلقی شود و در آینده نیز ادامه یابد.

مقاله ای که ذیلا از نظر خوانندگان عزیز می گذرد توسط «آقای باژید مردوخ» کارشناس وزارت برنامه و بودجه و با عنوان «مدیریت اقتصادی در شرایط بحرانی» به این منتهای ارائه شده است و با توجه به ارتباط آن با شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی کشور در این شماره ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی به چاپ رسیده است:

۱. مقدمه

منظور از شرایط بحرانی در این بررسی، وضعیتی است که در اثر بروز جنگ و با محاصره اقتصادی برای واحدهای تولیدی می بوجود می آید و هر نتیجه آن دسترسی تولید کنندگان به بازارهای مواد اولیه و با بازارهای فروش محصولات خود در خارج از کشور بحال می رسد این امر موجب رکود یا توقف تولید می شود. در این وضعیت واحدهای تولیدی با مسائلی روبرو می شوند که بطور عمده عبارتند از:

۱. بعثت محدودیت های ارزی با موانع فیزیکی (از قبیل مبادلات دشمن، تا منی راهها و بنابر محاصره و...) امکان واردات مواد اولیه و واسطه از بین می رود و در نتیجه تولید در واحدهای که به واردات وابستگی دارند، متوقف می شود.

۲. بعثت موانع ایجاد شده در اثر جنگ با محاصره، امکان صادرات محصولات تولیدی صنایع از بین می رود و در نتیجه کاهش درآمد ارزی و بارش نرفتن محصول، تولید در این واحدها مشکل و با متوقف می گردد.
۳. بعثت عدم دسترسی واحدهای صنعتی به مواد و قطعات استاندارد، در کاربرد مواد و فرآیندهای تولیدی واحدها، مشکلات می بروز می کند که موجب کمسای توقف تولید شده و در صورت امکان ادامه تولید، کیفیت متوقف می شود.

۴. واحدهای که از توان عملی و فنی لازم برای مقابله با شرایط بحرانی برخوردار نیستند با مشکلاتی در زمینه تصمیم یک نظریه کلی در مورد تاثیر و محاصره بر اقتصاد کشورها و واحدهای تولیدی و طرق مقابله با شرایط بحرانی، امکان پذیر نیست. زیرا هر جنگ اثر خاص خود را دارد که نوع و دامنه آن به ویژگیهای کشور دیگر در جنگ بستگی دارد. تاثیر محاصره اقتصادی نیز به عوامل زیادی از جمله میزان مبادلات کشور تحت محاصره، با دشمنی خارج

این مصرف کننده عمده تحقق پذیرد در عبارت دیگر امنیت نسبی تولید و مصرف کالاهای مختلفه بر طبق منطق مصرف منحصراً بفرق یعنی برپرسی در چنگ رسماً توسط دولت تعیین می گردد از آنجاکه دولت در مورد بهترین روش و در نتیجه تولید انواع اسلحه و مزارع و مواد جنگ، تصمیم می گیرد در مورد اینکه چه مقدار از انواع محصولات جامعه به معارف و بنای غیر جنگ اختصاص پیدا کند نیز خود تصمیم می گیرد لذا بعلت اولویت معارف جنگی، غالباً منابع مالی تخصیص به تولید و مصرف کالاهای مدنی و غیر جنگی، بصورت بالقوه منصرف جنگی از کل منابع جامعه تعیین می گردد. تا آنجا که در زمان جنگ دولت مشرتای اصلی محصولات نظام اقتصادی است طبعاً معنای نخواهد بود که شانه از زیر بار مسئولیت این تصمیم گیری که چه چیزی باید تولید شود، خالی نماند و فرایند انتخاب مذکور را به مکتیزم قیمت ها و بازار واگذار کند.

از لحاظ نظری میزان و میزان چنین فرشی کره که دولت پس از قبول مسئولیت تخصیص منابع، اقدام به سفارش دادن کالاهای مورد نیاز جنگ و جامعه به تولید کنندگان می نماید عوامل مورد نیاز تولید اسلحه اولیه، سرمایه، قطعات و نیروی انسانی) با یکدیگر به رقابت برخیزند اما از آنجاکه رقابت از ادانه تولید کنندگان برای کمک منابع مورد نیاز

موفقیت مدیریت اقتصادی کشور

را در مقابل با به شرایط بحرانی در سالهای ۱۳۳۰-۱۳۳۱ می توان نتیجه توجیه مردم توسط دولت نسبت به اهداف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه از یک طرف و بیسج آنها برای سازندگی، تولید و صرفه جویی از طرف دیگر دانست.

مرد و بالا رفتن سطح معیشت ها در برابر عوامل تولید می گردد و خود تأمین مالی هزینه های جنگ توسط دولت نیز به نوعی روش تهروری است. دولت ها از تهاقی بین مکتیزم جادگرمی می نمایند حتی اگر در - از اجزای تهروری انجام گشته بود خود نداشته باشد. رقابت از ادانه تولید کنندگان برای کمک منابع در شرایط جنگ و محدودیت امکانات مستریمی به بازارهای خارج موجب تمرکز درآمدی کلان و سودهای فاضل در بخش های جامعه می گردد که در شرایط حساس جنگی قابل تحمل نخواهد بود. در نتیجه دولت متعلق و بنا به ضرورت، وجه مهم دیگر تخصیص منابع، یعنی قیمت گذاری و به عنوان مهم می گردد که اقدام و مداخله در امر قیمت گذاری و جلوگیری از افزایش قیمت ها، بطور اجتناب ناپذیری دولت را در امر کنترل لیبزگی، جیره بندی و وسیع بندی منابع لازم برای تولید کالاهای مورد نیاز خود درگیر می کند سهمیه بندی معارف برای واردات و تعیین قیمت آنها، در این مرحله از اولویت و اهمیت خاصی برای دولت برخوردار می شود حتی اگر فرض شود که خطر افزایش قیمت ها و تمرکز بی رویه درآمد و سود هم وجود نداشته باشد. اقتصاد اینکه حوایب منابع و اهل عمل کار، در این وقت بنی است. زیرا در شرایط جنگی، کسب غیر از دولت، اطلاعات لازم در مورد طول جنگ و استراتژیها و استراتژی ادامه جنگ را در اختیار ندارد از آنجاکه این اطلاعات را دولت دولت در اختیار دارد لذا مسئولیت هدایت منابع در راستای معارف مختلف تولیدی و سرمایه گذاری را بخود حفظ خواهد مهند می گردد بطور کلی می توان پذیرفت که تحولات فوق الذکر در شرایط جنگ و معاصره اقتصادی، امری است طبیعی و

بزنانه ریزی توام باهمه بندی، جیره بندی و کنترل سفهتا در زمان ها توسط دولتهای ایران طبیعی و متعلق مدیریت اقتصادی در سطح کلان در اینگونه شرایط می باشد بنابراین، در یک کشور در حال جنگ، مسرفران در نظام اقتصادی کشور در آن وقت برای بلای خود و برپرسی و جنگ، به افزایش اولت فکر متوسل می شود و مسئله اقتصادی چنین کشوری، مطلوبیت استفاده یا عدم استفاده از این ابزارها و با مفولیت مداخله یا عدم مداخله دولت در امر تخصیص منابع نبود، بلکه مسئله اصلی عبارتست از استفاده درست و کارآمد از این ابزارها و مداخله سوبق، بجا و برنامه ریزی شده در جریان عملکرد نظام اقتصادی.

۳. نمونه های موفق مدیریت اقتصادی کلان در شرایط بحرانی

در تجربه تاریخی از مدیریت اقتصادی کلان در اینجا مورد بررسی قرار می گیرد تجربه موفقیت آمیز ایران در سالهای ۱۳۳۰-۱۳۳۱، که در چند جنگی معنای نظامی و مرسوم کتبه وجود نداشته، لکن شرایط اقتصادی و سیاسی بگونه ای بود که کلیه ویژگیهای را که در آغاز این کمات برای شرایط بحرانی بر شردیم دارا بود تجربه زاین نیز در سالهای بالاتر بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم، تجربه ای، آموزنده است که در شرایطی حادث و بحرانی تر از آنچه ما

هنگامی که دامنه تاثیر جنگ و

محاصره اقتصادی گسترش می یابد و شرایط بحرانی ابعاد ملی و بخشی پیدا می کند مکتیزم تخصیص منابع در اقتصاد کشور مستخوش اختلال می شود و لذا تفسیر آگاهانه مکتیزم تخصیص منابع از سوی دولت ضرورت پیدا می کند.

شرایط بحرانی نامیده می شود. تحقق یافته است که ذکر این نمونه ها از آن جهت ضرورت می گردد که یادگیری و تجربه آموزی از داشته ها و تجربه های گشتگان و دیگران بسیار اقتصادی در آن کسب یافتن از طریق تجربه دیگران غیر خود این حدیث را نباید در نظر دور داشت که بدون تعقل و تامل، پیشرو و طریقی و ارتقایند کردن نیز، برهمنه تر از آگاهی باورگرفتن و منتقلی عملی کردن آن است.

تجربه ایران مشکلات اقتصادی ایران در سالهای ۱۳۳۰-۱۳۳۱ که عمدها بدلیل محاصره نفی انگلستان، شوهاری آمریکا از یک طرف و اوم و پیشرفت اقتصادی و شرف شوردی از بازپرداخت بدهیهای دوران جنگ به ایران، بی ثباتی سیاسی و استهلاک بوجهه اوم بود، اقتصاد کشور را با بحرانهای تهروری کرده بود که مناسبت به سقوط اقتصادی دولت منجر گردید. مدیریت اقتصادی آن زمان با اتخاذ سیاستهای واقع بینانه و کارآو با استفاده از آموهای مردم برای پذیرش کمبعا و تحمل سختی ها، توانست با محدودیت واردات بدون قطع یا کاهش فاضل آن از یک طرف، توسعه صادرات بر طبق نفی از طرف دیگر، به موفقیت های چشمگیری دست یابد صادرات غیر نفی ایران در سال ۱۳۳۰ معادل ۱۲۸۸ میلیون ریال و در سال ۱۳۳۱ به ۱۳۲۱ میلیون ریال رسیده بود در سال ۱۳۳۲ به ۸۲۲۶ میلیون ریال افزایش یافت واردات کتبه اقتصادی در سال ۱۳۳۸ معادل ۹۲۲۰ میلیون ریال و در سال ۱۳۳۰ به ۷۲۰۵ میلیون ریال رسیده بود.

در سال ۱۳۳۲ به ۵۸۵/۷۵۰ میلیون ریال کاهش پیدا کرد در نتیجه نیاز برای رفتن نفی کشور، از کسری ۷/۴۰۰ میلیون ریال در سال ۱۳۳۰ به ۳۰/۸۱۴ و ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ به ۱۳۳۰ به ۰۲/۶۹۰ میلیون ریال مازاد در سال ۱۳۳۲ بالغ شد. به عبارت دیگر طی سالهای ۱۳۳۰-۱۳۳۲ نراز

بازگشتی غیرنظمی مثبت ایران تربیت از رشتی برابر ۱۵ درصد، ۱۰۰/۷ درصد و ۲۲۶/۵ درصد برخوردار بود. اقتصاد کشور از یک مازاد تجاری قابل توجه، در حساب تجارت کتبه نیز منفی شد. عملکرد اقتصاد ایران در این دوره نشان دهنده توانمندی باله، اقتصاد کشور در مواجهه با بحران و مشکلات راه داخلی و خارجی است. که از اعمال مدیریت اقتصادی درست و باوقامت و نقل فرامد تلاشی که در اوم توسعه صادرات غیرنظمی، بویژه در زمینه فرش، جواهران صابون با بعل اوم موفقیت آمیز بود بطوریکه ارزش صادرات فرش در سال ۱۳۳۱ به ۱۳۳۰ به ۳۵/۰۰۰ میلیون ریال بالغ گردید که در برابر رقم مشابه دو سال قبل از آن بود علاوه بر فرش، دولت محصولات دیگری را نیز جزو اقلام صادراتی قرار داد که لایا با جزو صادرات کشور بود با معیار آن بسیار نامبر بود. از آن سله، بیه صادرات گوسفند زنده (در عربستان سعودی) و تنباکو (به شوره)، که افزایش صادرات آنها، معنای کاستن از مصرف داخلی توسط خود مردم بود (۱)

موفقیت مدیریت اقتصادی کشور و در مقابل با به شرایط بحرانی در این دوره، می توان نتیجه تهروری مردم توسط دولت نسبت به اهداف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه از یک طرف، و بیسج آنها برای سازندگی، تولید و صرفه جویی از طرف دیگر دانست.

توجه به اینکه در زمان جنگ،

دولت مشتری اصلی محصولات نظام اقتصادی است، طبعاً منطقی نخواهد بود که شانه از زیر بار مسئولیت این تصمیم گیری که چه چیزی باید تولید شود، خالی نماند و فرایند انتخاب مذکور را به مکتیزم قیمت ها و بازار واگذار کند.

شده بود که تولید ملی در آن سال ۱۹۴۴ سابقا فقط ۷۸ درصد تولید ملی در سالهای قبل از جنگ (۱۹۳۷/۳۷) بود و سال طول کشید تا بیشتر شاخص های اقتصادی، در سال ۱۹۵۵، به سطح قبل از جنگ برسد. طی این سالها، زاین بین مشکلات حاد ملی مثل فقر، آوارگی و بی سرپناهی مردم، از بین رفتن ظرفیت های تولیدی و جراحی بی اساسی، نسبت به حکومت، تفرق از خانواده های بیارک، بی صنعت و تجارت، مشکلات کاری، و از همه مهمتر فقدان منابع داخلی لازم برای بازسازی اقتصاد و احیا تولید ریزو بود. اداره اقتصاد زاین و رفع مشکلات حاد آن نیازمند مدیریت اقتصادی، شرایط بحرانی بود.

مدیریت اقتصادی زاین در این دوره، هم خود را معصرف کلیدی ترین و اصلی ترین مسائل اقتصادی اجتماعی کشور نمود و بهمن جهت آن تنها در رفع بحران موفق شد بلکه زمینه های لازم برای رشد و توسعه اقتصادی آن در دهه های آینده فراهم ساخت.

دستاوردهای چشمگیر زاین در سالهای بعد از جنگ، نتیجه اصلاحات وسیع و همه جانبه ای بود که هم در نظام سیاسی و اجتماعی و هم در نظام اقتصادی صورت بعل این اصلاحات چنان رشدی و قطع بود که فقط با اصلاحات دوران صی می، (دهه ۱۹۶۰) قابل مقایسه است. از جمله اصلاحات مهم می توان موارد زیر اشاره نمود که محورهای اصلی مدیریت اقتصادی زاین در آن شرایط بحرانی است.

۱. اصلاحات ارضی که موجب مالکیت کشاورزان را بر اراضی مزروعی فراهم کرد.
۲. قطع عجزی از تولیدات های آرای با نسوه، یعنی گروه های صنعتی - تجاری بسیار فلتن.
۳. مجاز شتختن انجابه های کاری بر کارخانه - نه صنعت - و حمایت و تسوق آنها.

۳. گسترش نظام تامین اجتماعی بعنوان یک عامل کلیدی صنعت پتایوم در شرایط نامطلوب اجتماعی آن زمان، در کنار تمام صنایع و محاسن بهره‌مندی مدیریت و کارگران که اشتغال و استخدام مابام العصر مظهر و جوهر اصلی آن است.

۴. هماهنگی و همکاری متقابل دولت و بخش خصوصی در بازسازی اقتصادی کشور و انتصاب اولویت‌های صنعتی از طریق مشورتی‌های همه‌جانبه بین دولت و بخش خصوصی. ۵. اختصاص کلیه منابع انسانی و مالی به بخش خصوصی. ۶. تأسیساتی اجداد و نو سازی اقتصادی، در نتیجه قطع فعالیت‌ها و مسامحت قانون اساسی زاین از جنگ افروزی و صرف منابع در این زمینه.

۷. انتخاب و لغو اسراژی توسعه صنایع منتخب در دوره‌های کوتاه مدت، بر اساس این اسراژی در سالهای بلافاصله بعد از جنگ. زمانی که هنوز تجهیزات تولیدی زاین بازسازی نشده بود، به تعدادی از صنایع منتخب مثل استخراج ذغال سنگ، فولاد سازی و کومپوزیتهای اولویت داده شد. در آغاز دهه ۱۳۵۰ نیز صنایع سبک و در رأس آنها صنایع نساجی محور توسعه صنعتی بود. در نیمه دوم دهان هفتاد و چنانچه تکنولوژی خارجی از اولویت برخوردار بود که موجب افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی در ماشین آلات و تجهیزات شد. در دهه ۱۳۶۰ نیز، صنایع سنگین و صنایع برونزا محور توسعه اقتصادی و صنعتی زاین انتخاب گردید که جای صنایع نساجی و سایر صنایع سبک را بعنوان محرک اصلی رشد و توسعه گرفت.

۸. ایجاد شبکه بازارهای خارجی بسیار گسترده به منظور تسهیل سریع و مطمئن مواد اولیه قابل تولید صنعتی و کسب دستاوردهای لازم برای پرداخت هزینه واردات مواد اولیه، از طریق شرکت‌های تجاری زاین، این شرکت‌ها، بصورتی کارآمد سبک و مدلی بازارهای زاین را اداره کرده و با جود امکان‌پذیر شدن و هوایی اقتصاد زاین از راه بازارهای خارجی (هم از نظر واردات و هم صادرات) جریان تسهیل مواد اولیه و ارز مورد نیاز را در اختیار برقرار کردند.

علاوه بر موارد فوق الذکر، پارای از ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی زاین نیز در جهت تقویت اثرات

حسی در آزادترین نظامهای اقتصادی، هرگاه جنگ و محاصره اقتصادی بروز کرده است، دولت‌ها امر تخصصی صنایع را به عهده گرفته‌اند. تخصصی‌سازی صنایع توسط دولت یا برنامه ریزی و مدیریت اقتصادی در شرایط بحران از آن جهت ضرورت پیدا می‌کند که در حالت جنگ دولت به طور طبیعی به عمده ترین مصرف کننده محصول نظام اقتصادی تبدیل می‌شود.

اصلاحات و اقدامات فوق الذکر رهکار نمودن مسیر بازسازی و رشد اقتصادی کشور، به خوبی به کار گرفته شد. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. میل شدیده به پس انداز در میان جمعیت کشور و سهم بسیار زیاد تشکیل سرمایه در فرامد ناخالص ملی، تشکیل سرمایه در زاین بیش از ۱۰ فرامد ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد. در حالی که این نسبت در ایالات متحده ۱۸ درصد و در میان امرسی ۲۱ درصد بود. تأثیر این عامل را عملکرد نظام بانکی و اعتباری زاین می‌توانیم برآورد کرد. زیرا شرکت‌های زاین استفاده از سرمایه از بانک زاین می‌گردد بطوریکه تا پیش از دهه ۱۳۵۰ شرکت‌های زاین تنها ۱۰ بوده، که پس از سایر کشورهای صنعتی پس سالد است. بدین جهت است که نظام اعتباری زاین فقط بدلیل حمایتها و تسهیل نهایی دولت از این امرها و همچنین نسبت بسیار بالای پس انداز خانوارهای

زاینی بوده که، توانست چنین عملکردی داشته و با درگیری وام و اعتبار در اختیار شرکتها قرار دهد. لازم به یادآوری است که نسبت پس انداز در زاین بیشتر از ۲۰ درصد بود. در حالی که این نسبت در ایالات متحده ۷ درصد و در آلمان غربی ۱۶ درصد بود.

۲. نظام سنتی رابطه مدیریت و کارکنان در زاین که تا پیش کشته خودمادهای کارگران و کارکنان بود با تغییر شکل اشتغال حاصل از امر برای کارگران، احساس تعاون به شرکت را در میان آنها تشدید نموده و امکان لازم برای پذیرش تغییرات تکنولوژیک را بدون ترس از بیکار شدن پلنهای فاد و کارفرمایان نیز متغایلاً با اطمینان و اعتماد به نیروی کار شرکتها و بازده سرمایه‌گذاریهای خود، منابع زاینی را صرف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کارگران می‌گردد. همچنین در نتیجه این نظام نیز در شرایط کارگری به تدبیر از جنگ و بحران اجتماعی و اقتصادی این دوره، به جهت اقتصادی و زمینه سازی برای رشد و توسعه کمک فراوانی نمود.

مدیریت اقتصادی در شرایط بحرانی بعد از جنگ، با اعمال تدابیر و اجرای اقدامات فوق الذکر، موجب گردید که اجداد اقتصادی زاین هر چند از یک سطح بسیار نازل ولی با نرخهای رشد بسیار بالای آغاز شد. طی دهه ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰، رشد متوسط سالانه تولید ناخالصی زاین ۱/۸ درصد و در دهه ۱۳۶۰ به ۱/۶ درصد رسید. این رشد متوسط ۱/۸ درصد در سال بود که بالاترین نرخ رشد در میان کشورهای صنعتی جهان بود. آثار این اصلاحات سیاسی و اقتصادی شاخص‌های دیگری نیز می‌توان نشان داد. مقایسه تولید سرانه چین در سالهای این دوره، به ترتیب قابل توجه ۱۳۵۰، ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ صنایع زاین را نشان می‌دهد. تولید یک تن چدن از کوره‌های فوب در سال ۱۳۵۲ نیازمند ۶ ساعت کار بود که در سال ۱۳۷۰ به ۳/۷ ساعت و در سال ۱۳۶۲ به ۱/۸۵ ساعت کاهش یافت. (۲)

۴. مدیریت اقتصادی خرد در شرایط بحرانی و جنگ

واحدی تولیدی در دوره با شرایط بحرانی برای بقای تولید و حفظ سرمایه‌های فیزیکی و انسانی خود، به نوع خاصی از مدیریت اقتصادی نیازمندند که مهمترین ویژگیهای آن شرح زیر است:

- درک و تحلیل درست شرایط بحرانی و جنگ
- شناخت مهمترین تعیین‌کننده ترین عوامل تولید
- شناسی عوامل وامکان‌کنایی که در شرایط عادی نادیده گرفته می‌شود.

۱. درک و تحلیل درست شرایط بحرانی و جنگ: معمولاً در شرایط جنگی، اقتدار دولت و سیاستهای اقتصادی آن بزرگ‌های تولیدی - بویژه در بخش صنعت - افزایش می‌یابد. مدیریت و آحادی اقتصادی و تجاری کمتر قابلیت کنترل نظارت دارند و در نتیجه طبقات تجاری از مومنت اجتماعی و اقتصادی بهتری نسبت به طبقات تولیدی برخوردار می‌شوند. فراین شرایط بحرانی بر همه زبانی اقتصادی حاکم می‌شود، که در محیط قلبی گفته شد، بصورت یک ضرورت تولیدی درمی‌آید و دولتها بیشتر از پیش هدایت فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی خارجی و بطوریکه تخصیص منابع جامعه را بعهده می‌گیرند. لذا مدیریت اقتصادی در واحدهای تولیدی تأثیر بزرگی با علم بیان واقعیت، واحد تولیدی را اداره و برای مشکلات خود راه‌اندیشی می‌کنند. به علاوه، باید توجه داشت که تأثیر جنگ‌ها بر جریان توسعه صنعتی، هم دارای جنبه‌های منفی و هم دارای جنبه‌های مثبت و مشوق و برخوردار بود. واحدهای تولیدی از این شرایط و تأثیرات بسیار سودمند اقتصادی و فواید اجتماعی و باین آورده‌اند که زمینه‌ساز بسیاری تأثیرات مثبت و مشوق توسعه بیشتر فراهم کرده‌اند. تأثیر جنگها بر جریان توسعه صنعتی در مواردی همچون تخصیص نیروی سرمایه‌های خارجی، ایجاد منابع تکلیب کار و سرمایه‌های موزاد حاکم از مضاربت مولد به غیر مولد و افزایش حرارت تجاری و صنعتی، تأثیراتی بسیار زیاد داشته است.

اما تا آنجا که موجهات تسهیلات زیر را بوجه می‌آورد مشوق و به حساب می‌آید:

- بعد از براری مولد از عوامل و ظرفیتهای تولیدی که قلاً بطور کامل مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گرفته است.
- افزایش تولید در صنایع که توسعه آنها موجب سرده جرت‌های خارجی و کاهش هزینه در سایر رشته‌های صنعتی شده و امکانات جدیدی برای گسترش آنها فراهم می‌نماید.
- زمینه سازی برای تحولات ملی و با ساختاری که موجب توزیع مجدد درآمدها و فرصتها بعلل واحدهای دارای ابتکار و خلاقیت می‌گردد.

در شرایط بحرانی که تولید کاهش پیدا می‌کند و با متوقف می‌شود، حفظ و نگهداری سرمایه فیزیکی واحدهای تولیدی از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار می‌گردد، در حالی که نیروی انسانی واحدها که سرمایه انسانی تولید صنعتی است اهمیت خود را از دست داده و به سهولت بیکار و بی‌شمار می‌شود.

هزینه‌های جنگی دولتها در مراحل توسعه که اجداد صنعتی شدن معدوم می‌باشند تأثیرات بسیار مثبت و تغییرات عمده‌ای در کلای اقتصادی وسیعی را کالایا و خدمات تولیدی بوجه می‌آورد که عملاً موجب خشی کردن افت و خیزها و نوسانات اقتصادی ناشی از خشک سالی ها و این امر تجاری می‌شود.

بروز خلافت‌ها و ابتکارات که پیشرفتهای تکنولوژیک بسیار می‌آورد بعنوان مثال صنایع کششی ساری، فولادکاسی (بویژه آهن و مس)، صنعت ذغال سنگ، نیروی بخار و صنایع وسایل نقلیه، از جمله صنایعی هستند که تحت تأثیر جنگها در گذشته، دستخوش تغییرات فنی بنیادی شده و در شرایط بحرانی قابل توجهی برخوردار شده‌اند. با ظهور این دیگر صنایع از جنگها تأثیر مثبت پذیرفته‌اند و رقابت نوروپهای تکنولوژیکی در این صنایع شروع رسیده است. بعنوان نمونه می‌توان تولید کشنده در فرسه را نام برد که در نتیجه حصار آهن توسعه یافته در انگلستان در دوره جنگ جهانی نابلون توسعه پیدا کرد. با توسعه صنعت شیشه ایدرک در ایالات متحده، نتیجه مستقیم جنگ است کشور با همکاری و نیاز این جنگ به دوربین‌های صحرایی، بود صنعت تولید شیشه‌های، اشک و مهمات آنتیک نیز برای اولین بار در اثر جنگ بوز (افریقای جزیری) در کشور انگلستان پایه گذاری شد.

اینها به صنعتی شدن کشورهای فرگیر در جنگ، شند از بیروزی با شکست آنها تأثیر می‌پذیرد زیرا بزرگی با شکست، اصولاً موجب گسترش یا محدودیت بازارهای بین‌المللی برای تولیدات داخلی آنها و افزایش یا کاهش دسترسی به مواد و سایر منابع حیاتی می‌گردد.

۲. شناخت مهمترین و تعیین کننده ترین عوامل تولیدی: صاحبان و مدیران صنایع که در شرایط عادی اقتصادی، با برخورداری از بازارهای نسبتاً مطمئن و تضمین شده و در پناه حمایت‌های مالی با گسترش به تولید توسعه‌اند می‌پردازند، سرمایه فیزیکی (امکانات آلات و تجهیزات) واحدها و مهمترین عامل تولید دانسته و افزایش کمی و کیفی آن بیشتر از سایر عوامل مورد توجه قرار می‌دهند. هنگام بروز شرایط بحرانی و جنگ نیز معمولاً حفظ و نگهداری سرمایه فیزیکی را واجد اهمیت و اولویت می‌دانند و نیروی انسانی محروم و کارمندان را که سرمایه انسانی واحدها، به فراموشی سپرده و اجازه می‌دهند که بسودت از واحدها، تولیدی و بخش صنعت خارج شود.

خروج سرمایه انسانی از واحدهای تولیدی، بلای تولید را در شرایط اقتصاد جنگی میسرمان است. سزاده بخش صنعت را با کمبودی اساسی مواجه می کند که جبران آن به گذشت زمانهای طولانی و انجام سرمایه گذاریهای عظیم آموزشی نیاز دارد. خروج سرمایه انسانی از واحدهای تولیدی و بخش صنعت، در واقع بیش از همه ریفتم این سرمایه است و نظر اقتصادی، اجتماعی و زیست بوم از استهلاک و تخریب ماشین آلات صنعتی است. شناخت این منجرین و تعیین کننده ترین عامل تولید، به منظور هدایت و مساجیان صنایع و محیط است. بلکه بر مدیریت اقتصادی جامعه است که به حفظ و نگهداری این سرمایه بکوشد. زیرا با مدیران و مسئولان واحدهای صنعتی، جنس در صورت تولید اهمیت این موضوع، به نتایجی قادر به فرمولگیری از این خسارت اجتماعی و اقتصادی نیستند. مدیریت اقتصادی جامعه باید فراهم آورد و برنامه ریزی و چاره جویی کند.

با توجه به اهمیت نقش سرمایه انسانی در تولید صنعتی و مطرح بودن مسأله کاهش یا تولید نوید در واحدهای صنعتی کشور، و خروج نیروی انسانی از صنعت شناخت بیشتری از اهمیت و نقش سرمایه انسانی در مقایسه با سرمایه فیزیکی ضروری می باشد. اهمیت نسبی سرمایه انسانی موجود در صنایع ایران، هر چند مورد تحقیق قرار نگرفته، لکن این حقیقت را نمی توان انکار کرد که سرمایه فیزیکی موجود در این بخش، بقدر نیروی انسانی قابل بهره برداری است که در آغاز تلاشهای صنعتی کشور، خام بوده و در

واحدهای صنعتی امکان پذیر می سازد. با توجه به اینکه امروزه جنس مراکز علمی، دانشگاهی و پژوهشی نیز، بصورت موزون و به تنهایی قادر به کسب دستاوردهای جدید علمی، تکنولوژیک نمی باشد. واحدهای تولیدی بطریق اولی، بدون امکانات از علوم و دانشمندان، استفاده از توان فنی و علمی کارکنان و کارگران صنعتی، نمی تواند در صحنه تولید و رقابت با دیگر پستاند و علت وجودی خود را بخواند. تولید کننده، در شرایط پویای فنی و اقتصادی نباید امروزه توجه نماید.

صنعت محصول نازکی علوم و ماخلوق دانش آبیانشته است و برای آن در شرایط بحرانی نیز ناگزیر باید از خلاق و پتانسیل اصلی خود یعنی علوم و فنون استفاده کند. با اتحاد نیروی بخش واحدهای تولیدی، دانشمندان و اهل فن در دانشگاهها و مراکز علمی و پژوهشی، بتواند بر روی صحنه آرا کشیده و مدیریت علمی، نه تنها می تواند در چرخه های ساختار فعلی تولید، در بخش صنعت، در مصرف مواد اولیه و قطعات خارجی و در نتیجه در هزینه های تولید صرفه جویی نموده و وابستگی را کاهش داد، بلکه می توان تولید و ساختار آنرا تغییر داد و به تصحیح و ریشه یابی کردن تولید صنعتی در اقتصاد کشور، عمل جویید. شرط اولی برای تحقق این امر، اصلاح مدیریت اقتصادی چه در سطح کلان و چه در سطح واحدها، دگرگونی روشهای تصمیم گیری و تولیدی، و شناخت علمی و سیستماتیک ساز و کار تولید و توسعه صنعت است. باگیری و تجربه ناسازی از عملکرد

آن را تا دگر می کنیم، با توسل به دانشمندان و بهراری، برپایه از توانمندی علمی و فنی کشور، نه تنها بر مشکلات مذکور فایز آیمند، بلکه شادوهد صنعتی کشور را موفق در سطح جهانی را بر می خیزد. شرح عملکرد کارخانه انگلیسی جنس (Chance)، نشان می دهد که صنعت با انگار، به دانش و تلاش و کوشش برنامه ریزی شده، می تواند رضای از وابستگی را از معمار به عمل تبدیل نماید. شناخت این نمونه از تجربه تکامل صنعتی، صرفا بدلیل اشتیاق بسیار زیاد اوضاع و احوال این کارخانه با بیشتر واحدهای صنعتی امروز ما است.

با آغاز جنگ جهانی اول و قطع واردات از آلمان ایجاد کامل وابستگی انگلستان به شیشه ها و ابزارهای اپتیک آلمان اتفاق گردید. در ماه اوت سال ۱۹۱۴، ۶۵ درصد شیشه اپتیک مورد نیاز انگلستان از کارخانه های آلمان و ۳۰ درصد دیگر از کارخانه پارلمانهای فرانسه وارد می شد. با آغاز جنگ و افزایش تقاضای داخلی فرانسه، انگلستان موفق رفت که واردات از فرانسه را کما حد بماند. کارخانه انگلیسی جنس در این زمان فقط ۱۰ درصد نیازهای خود را تأمین می کرد. این زمانی بود که دستور نیازهای صنعتی از گمشده نیروی بیسج شده برای جنگ، مطرح شده بود. با افزایش بیسج نیروها، تقاضا برای مهمات اپتیک (ابزارهای اپتیک مورد استفاده در جنگ) شدت افزایش یافت.

در ماه نوامبر ۱۹۱۴، نیازهای نیروهای مسلح با این شرح

- ۱. نیازهای ارزی سیالانه بخش صنعت در سطح تولیدی به میزان ۶۰ درصد ظرفیت، سالانه حدود ۳۵۰ میلیارد ریال (۴/۵ میلیارد دلار) و در سطح بهره برداری کامل از ظرفیتهای عملی آن حدود ۵۸۰ میلیارد ریال (۷ میلیارد دلار) است.

به انجمن اپتیک بریتانیا اعلام گردید: ... تعداد نیروهای مسلح به حدود یک میلیون نفر افزایش می یابد که ۶۴ درصد آنها، در مورچه های حساسی و یک چهارم آنها به انواع مختلف تسلیک برای توپخانه و تفنگ و دیدایی نیاز خواهد داشت. در ۱۰۰۰ نفر از نیروهای مسلح نیز به یک صد صصافت باقی مانده برای علاوه بر اینها تعداد بزرگ ابزارهای اپتیک برای ساسی و نقشه برداری مورد نیاز خواهد بود.

از همین اعلام مورد نیاز، فقط صصافت پاپ با اندازه کافی قابل تأمین بود و برای تأمین فورین حساسی در ماه سپتامبر سال ۱۹۱۴ یک صد اسدود حسومی حمل و سدر و کلیه افرادی که این نوع اسدود را در اختیار داشتند، فرخواست شد که آژرا به آرتش اعاد، نمایندگی طی سه هفته پیش از ۲۵۰۰ عدد فورین اداتلی (از جمله جله فورین سده و مکنه، جمع اوری شد که بهیچوجه قابل سده و هر روز در ستون بیژرمیتهای روزنامه، از این جهت سرتیازان اعلام جبهه برای فریالشت ابزارهای اپتیک مردم، فرج می گردید که نشان نشده کمبود شدید این ابزارها بود.

خود اکتفر سال ۱۹۱۴، موسسه شیمی بریتانیا اولین تلاش خود را برای ارائه کمک های فوری علمی به صنعت اپتیک و پیشه کشور جعل آورد و یک کمیته مشورتی برپاست (شده و حد)، هرا هریس جنسون از کالج سلطنتی لندن را مأمور ارائه خدمات علمی به صنعت شیشه تولید اولین کمیته، تهیه فرمولهای مناسب برای کمپونترین نوع شیشه های اپتیک که لیکر از سایر موارد نمی شد و طرف مدتها شش ماه کمیته هر روز نوشتند و فرمول مناسب برای تولید شیشه های خالی ضروری را بدست آورد. کمیته های دانشمندان و دانشگانی، بویژه پرسودر جنسون، تولید انواع شیشه های جدید را در کارخانه جنس تکمیل می ساختند. این دانشمند که در لابراتوار خانگی خود کار می کرد، موفق به تهیه ۶۷ فرمول جدید گردید که در آنها

- ۲. رقابت آزادانه تولید کنندگان برای کسب منابع در شرایط جنگ و محدودیت امکانات دسترسی به بازارهای خارج، موجب تمرکز درآمدهای کلان در بخش هایی از جامعه می شود و در نتیجه دولت متعلقا قیمت گذاری را راسا به عهده می گیرد.

این بخش در ایران و دیگر کشورهای جهان، راه وادار و مشکل را اساسا خواهد کرد.

تجربه انگلستان:
بسیح امکانات صنعتی در مهندسی علوم برای اولین بار در جنگ جهانی اول مطرح شد. تأمین نیازهای خودمختاری جبهه های جنگ ۱۹۱۴ و ۱۹۱۸ و فشارهای که از این طریق بر صنایع کارخانه ای انگلستان وارد می شد، مشکلات عده ای منحصر فزوده بی سببهای را بچیز آورد. بود فوری مسلح انگلستان در این جنگ به جبهه های خودمختاری نیازمند بود که بی نهایت توسط صنایع کشور، بصورت آید، در استفاده با و با حد اکثر سرعت ممکن تولید کرد.

صنعتی، صنعتی، مهندسی، بخش تولیدی کشور... بخش وسیعی از صنایع فیزیکی را نیز در بر می گرفت. مستلزم وجود اختصای بود با مستلزمات و بیوشای بین صنعتی و این اختصای بسیار پیشرفته، در حالیکه صنایع انگلستان در جریان بیسج صنعتی، مستلزم تدارک کم نیازها، جنگ، از امکانات لازم برخوردار نبودند. باره ای از صنایع انگلستان، بدلیل زیر توانایی بهره برداری در شرایط جنگ را نشاندهند.

- ۱. تأمین کارگر، ساختار اقتصادی و تجاری آنها که منتهی بود در راه دولتی شدن.
- ۲. تأمینیه گرفتن اهل علم و تحقیقات علمی از سوی صنایع تولیدی.
- ۳. فقدان یا کمبود نیروی کار دارای آموزشهای علمی و حرفه ای.
- ۴. فقدان تفریحات صنعتی یا کمبود آنها در این صنایع و با بطور کلی در کل بخش صنعت.

با ورود این صنایع انگلستان که نحوه ای از

- ۵. سرمایه سالهای ۳۲-۱۳۳۰ تراز بازرگانی غیر نفی از ۳۰۱۴ میلیون ریال رسید.
- ۶. ریال به ۲۶۷۰ میلیون ریال رسید.
- ۷. عملکرد اقتصاد ایران در این دوره نشان دهنده توانمندیهای بالقوه اقتصاد کشور و موجهه با بحران و مشکلات داخلی و خارجی است.

فرایند تولید صنعتی بحدته شده و طی زمان طولانی بصورت سرمایه انسانی فراهم کرد که خطوط تولید صنعتی کشور را پر کرد. هر می آورد.

اهمیت نقش سرمایه انسانی در مقایسه با سرمایه فیزیکی می توان با استفاده به یک تحقیق مختصر، در مورد صنایع ایالات متحده صورت گرفته است. نشان داد که برجهی این بررسی، میزان سرمایه انسانی سرانه (که بصورت متوسطی شدت نسبی مهمات یا تفاوت بین مژه متوسط و مزد کارکنان نیز ماهر در در صنعت محاسبه شده است) در همه صنایع مورد بررسی بیشتر از سرمایه فیزیکی سرانه بوده است. بطوریکه در سال ۱۹۷۸، سرمایه انسانی سرانه در صنعت آلومینیوم ۹۹۹ (۳۹۹ دلار) و ۲۴۰۲ (۲۴۰۲ دلار) برای سرمایه فیزیکی سرانه، در صنعت پوشاک (۱۱۱/۰۰۰ دلار) و ۴۶۰۰ (۴۶۰۰ دلار) برای در صنعت نساجی (۱۶۰۰۰ دلار) برابر سرمایه فیزیکی سرانه در این صنایع بوده است. جنس در سرمایه بزرگ صنایع، جنس صنایع شیمیایی و صنایع اهن و فولاد نیز، سرمایه انسانی سرانه، بترتیب ۱۹ درصد و ۱۶ درصد بیشتر از سرمایه فیزیکی سرانه بکار گرفته شده آنها بوده است. (۱۳)

- ۸. تمیز عوامل و امکانات فراموش شده: محدودیت دسترسی به بازارهای محاسمی، کمبود نیروی موجه اشتراک ضمنی کمبود جبهه تری در واحدهای تولیدی می گردید که در شرایط عادی تولید صرفت نام توجه می نمود. این راز نهفته عبارتست از کمبود دانش و توان فنی که برپایه لیکر کمیته ها، به موضوع تنگ و کمگنایت و بیوشای است و نه بطور جدی و نهایی، با بصورت فوری یا جنسی مورد برنامه ریزی و چاره جویی قرار می گیرد دانش و توان فنی است که ادامه تولید در شرایط بحرانی و با ایجاد تغییرات ساختاری و فنس در شرایط عادی با بحران را در

۱۵۰۰ تنوع گداز شیشه تولید شد یکی از کم گدازها، شیشه ای بود که در مقابل عناصر شیمیایی مقاوم بود و منتهای مدیه محصول انحصاری آلمان بشمار می رفت و در معارف دارویی و داروسازی اهمیت فوق العاده ای داشت تهیه فرمول نوای دیگری از شیشه بنام شیشه فلوتور که برای آنتیساند آن ۱۵ سال طول کشید بود فقط ۱۵ هفته از وقت پاکتین کار گرفت.

از جمله اکتشافات دیگری که در شرایط جنگی و محصوریهائی وارداتی، در صنعت شیشه آستیک انگلستان صورت گرفت، تشکیل کیمیاچه صنعتی منتهائی متشکل از دانشگاهها و صنعت و تاسیس انجمن های علمی صنایع شیشه سازی دولت و صنایع بود کیمیاچه تحقیقاتی به حل و فصل مسائل مهم و روزمره صنعت می پرداختند. در حالیکه انجمن جهانی پزشکی با حمایت وسیع و همه جانبه از تحقیقات صنعتی، به پایه ریزی بنیادهای علمی صنعتی برای فوران صلح و بلند مدت اشغال داشتند.

در زمینه مواد اولیه این صنعت، کارخانجات موفق شدند به کمک دانشمندان ماسه خاص، پاراموم و داخل را که واردات آنها در اثر جنگ متوقف شده بود، در داخل کشور کشف و تولید نمایند پس از قطع واردات تناسل از آلمان، تهیه نیش برای روبرای کوره بلند، از طریق افزایش حرارت کوره و افزودن نیش محمولی به خوراک کوره، نیش بگونه ای عملی تر و ارزاتر امکان پذیر گردید و باین ترتیب استحصال آلمان در مورد نیش، با کاربرد خلاقیت و تفکر علمی و استفاده از یک ماهه زائد و دور ریز صنعت قوطی آهن، درهم شکسته شد.

در زمینه توسعه و بهبود مواد و فرایندها، پلوسر و جکسون و دیگر افراد و گروههای پژوهشی علاوه بر تهیه فرمولهای ترکیب مواد برای تولید شیشه های مورد نیاز، به فرمولهای جدیدی برای تولید محصولات جدید از قبیل شیشه های ضد نور، لامپ اشعه ایکس، شیشه شش مصنوعی، فلاکس جلا، شیشه ترمومتر و شیشه های مقاوم در برابر حمله دست یافتند.

در زمینه توسعه و نوآوری محصولات جدید نیز، صنایع آستیک انگلستان که شش پیشنهادات جدید را از افراد

نشانگر صنایع در شرایط جنگی، اقتدار دولت پروا حدهای تولیدی - به ویژه در بخش صنعت - افزایش می یابد. در حالیکه واحدهای خدماتی و تجاری کمتر قابلیت کنترل و نظارت دارند و نتیجه ثبوتات تجاری از موقعیت اجتماعی و اقتصادی شهری نسبت به طبیعت تولید کننده برخوردار می شوند. در این شرایط برنامه ریزی اقتصادی جنگی به صورت یک ضرورت طبیعی در می آید و دولتها پیش از پیش هدایت فصلبهای تولیدی و بازرگانی خارجی و بطور کلی تخصیص منابع جامعه را به عهده می گیرند.

نیروهای مسلح می گزینند با تحقیر و ظرمانی بر روی آنها، توانست محصولات جدیدی را تولید نمایند بعنوان مثال، پرسبکوب که در انگلستان ساخته می شد، با ظرمانی های که بر اساس پیشنهاد یک سرباز وکیلته صورت گرفت توسط یکی از کارخانجات تولید شد. از جمله موارد استفاده از پرسبکوب جدید که در سکرفا فرانک می شد اندازه گیری زیرماتای علمی و عمودی بود.

صنایع آستیک انگلستان که با وقوع جنگ جهانی اول، با مشکلات حادی روبرو شده بود، به پیشنهادهای عدده ای

نیاز گردید این صنعت که در سال ۱۹۱۲ فقط تعداد پراکنده ای بنگاهها و کارگاههای خانوگاری فرارشدند محصولات آستیک آلمان بود. در پایان جنگ به مجموعه ای از کارخانه های بزرگ دارای ماشین آلات جدید، تکنولوژی تولید انبوه، و ظرفیت و ظرمانی و نوآوری تولید شده بود میزان تولید این صنعت در پایان جنگ حدود ۳۰۰ برابر قبل از جنگ بود و تعداد کارخانه های سازنده دوربین ها چهار واحد به پانزده واحد بالغ گردید. قبل تولید کارخانجات سازنده دوربین طی این مدت ۵۰۰ درصد افزایش پیدا کرد و تعداد کارخانجات سازنده شیشه و متشکل از ۳۰۰۰ واحد به ۵۰ واحد افزایش یافت. ارزش تولید این صنعت از سال ۲۵۰ میلیون پوند در سال ۱۹۱۸ بالغ شد.

کارخانه جاس که قبل از جنگ فقط ۱۰ درصد محصولات آستیک مورد نیاز انگلستان را تولید می کرد، در پایان جنگ با تولید حدود ۲۰ درصد آستیک در ماه، حدود فورابار مصرف جهانی محصولات آستیک در زمان صلح را تولید می کرد. تعداد کارکنان شاغل در این کارخانه در تعدادی انگشت شمار به ۱۲۵ نفر در پایان جنگ رسیده بود و انواع شیشه های آستیک که در خامه جنگ توسط کارخانه به بازار عرضه می شد به ۷۲ تنوع توسعه بود حالیکه قبلاً حدود صد تنوع آستیک تولید می شد ذکر این نکته ای ضروری است که در این صنعت، توسعه و ساخت صنایع مخصوص عسکری برای هوای نوز از جمله شیشه های مهم این کارخانه در زمان جنگ اول بود طی دوران جنگ اول، امکانات تولید کارخانه چنان گسترش پیدا کرد که بود پنج سال قبل از شروع جنگ اول، تولید شیشه آستیک آن پنج برابر افزایش یافت و در سال ۱۹۲۸، صدور شیشه های آستیک این کارخانه آغاز شد (۴)

جنگ اول جهانی موجب گردید که صنعت آستیک انگلستان با این حقیقت آشنا شود که بقای تولید و دستیابی به کارتی و ایجاد و مستقر و تأمین دولت تر تولید در کوره احداث از اعتماد و اشتیاق و اعتماد طرفین استثنائی است. دست اندرکاران صنعت آستیک انگلستان فقط با شروع جنگ و فشارهای ناشی از آن بود که متوجه شدند اکثر کارخانه های بزرگ کشور خصم و رقبا آنها (آلمان، در سال ۱۹۰۴ از خدمات یک یا چند نفر رایسیدان یا زیرمکان بطور تمام وقت استفاده می کردند) در کارخانه زایس آلمان به تنهایی در حال ۱۲ فارخ استحصال علوم را در این زمان در استحصال خود داشتند. در حالیکه کارخانجات انگلستان، دانشمندان را افرادی برج عاج شین و غیر لازم حساب می کردند. شرایط جنگ بود که صنعت آستیک انگلستان را وادار نمود که تولید صنعتی را با کار بزرگ علوم قدرتمند بطور کلی مستقر و نوآوری صنعت آستیک انگلستان در دوران جنگ، نتیجه همکاری نزدیک دانشمندان دولت و صنعت بود که حاصل آن می توان بصورت زیر چینهائی گردید:

- ایجاد جابجایی داخلی برای مواد اولیه وارداتی.
- توسعه و بهبود مواد و فرایندها.
- ظرمانی، توسعه و نوآوری محصولات جدید.
- تأمین نیازهای مهم زمان جنگ و ایجاد و

۵ صنایع ایران در چشم انداز رهائی از وابستگی

صنایع ایران در شرایط کمبود و محدودیت امکانات ارزی، علت وابستگی شدید به مواد اولیه، واسطه و قطعات و ماشین آلات خارجی، با کمبود یا توقف تولید دربرنده می شود ادامه تولید و حفظ عوامل تولید در اجزای شرایطی، نیازمند تأسیس ویژه ای است با افعال و اجرای آنها. توان باقیه تولید این بخش ضمن انجام اصلاحات و تقصیرات ساختاری، حفظ گردیده و پس از رفع مشکلات ارزی، مورد

بهره برداری موزتر قرار گیرد

حداکثر توان تولیدی بخش صنایع کشور، طبق برآوردهای بعمل آمده بیش از ۳۳۰۰ میلیارد ریال در سال است که در سالهای اخیر و قبل از محصوریهائی ارزی، به بهره برداری از حدود ۶۰ درصد آن ارزش تولید سالانه بخش

صنایع ایران در شرایط کمبود و محدودیت امکانات ارزی، به علت وابستگی شدید به مواد اولیه، واسطه و قطعات و ماشین آلات خارجی، با کمبود یا توقف تولید روبرو می شود

حداکثر توان تولیدی بخش صنعت کشور، بیش از ۳۳۰۰ میلیارد ریال در سال است که در سالهای اخیر و قبل از محصوریهائی ارزی با بهره برداری از حدود ۶۰ درصد آن، ارزش تولید سالانه بخش به حدود ۳۰۰۰ میلیارد ریال رسیده است.

به حدود ۳۰۰۰ میلیارد ریال و ارزش تولید آن به ۱۲۰۰ میلیارد ریال رسیده است. نیازهای ارزی سالانه این بخش در سطح تولید، عملکرد و مذکور شده حدود ۳۵۰ میلیارد ریال (۲۵۰ میلیارد دلار) و در سطح بهره برداری کامل از ظرفیتهای عملی آن حدود ۵۸۰ میلیارد ریال (۴۵۰ میلیارد دلار) است. در حالیکه در آمد ارزی سالانه حاصل از صادرات کالاهای این بخش (شامل فرش) فقط بیش از بیست و پنج درصد تولید آن تأمین می کند و ارز لازم برای گردش چرخه تولید صنعتی کشور در پیله روزهائی مثل (۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲) باید در محل در آمد ارزی حاصل از نفت تأمین شود. در صورت کسر در آمد ارزی، به سربط به صادرات فرش، باقیمانده در آمد صادراتی سالانه این بخش، فقط

نیاز برای یک روز آرا (۳۶۵ روز سال) تأمین می نماید. کالاهای کالاهای صنعتی در کشور حدود ۳۱۴۰ میلیارد ریال در سال برآورد می شود که حدود ۶۴ درصد آن از محل تولیدات داخلی بخش صنعت و ۳۶ درصد بقیه از محل واردات تولید می شود. ارزش تأمین این کشور حدود ۲ درصد است که در بررسی تفصیلی کل قابل چشم پوری است. کالاهای داخلی کالاهای صنعتی در پایان این دهه، در صورتیکه هر سال فقط در حدود افزایش پیدا کند (معمولاً رشد سالانه جمعیت شهری و بدون در نظر گرفتن رشد تقاضای جمعیت روستائی و تقاضای مربوط به جابجایی کالاهای موجود)، به حدود ۱۶۶۵۰ میلیارد ریال خواهد رسید. در صورتیکه تولیدات بخش صنعت نیز سالانه در حدود افزایش پیدا کند، بیشتر از ۳۵ درصد تقاضای داخلی در پایان این دهه، باید به حیانتان از خارج تأمین شود. هرگاه ساختار وابستگی تولید صنعتی بدون تغییر باقی بماند علاوه بر ۳۵ درصد از کالاهای صنعتی جامعه به واردات نیاز ارزی این بخش فقط برای گردش چرخه ای تولید آن، در پایان این دهه به حدود ۸۱۵۰ میلیارد ریال (بیشتر از ۱۰ میلیارد دلار) بایستت های (روزها) خواهد رسید (۵)

بسیه ای است که در صورت تحقیر این بخش، بی هذاهای کلی اقتصادی مندرج در قانون اساسی، جملع عمل نخواهد بود و پیش از این بخش بعنوان یک منبع صنعتی کردن کشور، وبال اقتصاد کشور شده و خود موجب مسائل و مشکلات خانگی اقتصادی و اجتماعی خواهد بود و در اقل بایستات خود حاضر صنعتی را وجود داشته باشد چیزی بقاری ماشین آلات خارج از دهه و فرسوده، تعدادی ساختن و نسیاست مستهزک شده و فرو رفته و نیروی انسانی بی در فکر، نخواهد بود و در فرآیند تولید آن اثری از دانش و تکنولوژی اواخر قرن بیستم مشاهده نخواهد شد. دوم

گلوگری از تعلق چین سازویی در بخش صنعت کشور، بخت برخورداری کشور از منابع معدنی سرشار. ذخایر کانی آرزوی و نیروی انسانی لازم امکان پذیر می نماید اما شرط لازم برای پیشرفت صنعتی کشور و بهره‌دهی از امکانات مذکور، اصلاح مدیریت اقتصادی در این بخش، تغییر نگرش‌های ضد صنایع و غیرمولد، شناخت علمی و سیستماتیک ساز و کار تولید و توسعه صنعتی و بالاخره کاربرد فکر علمی در جریان وضع سیاست‌های صنعتی و ندرک برای کمک توسعه منابع وابسته و نانوایی می باشد.

لیکن تجربه یادشده بخش صنعت از یک طرف و وابسته‌ترین بخش اقتصادی کشور است، و از طرف دیگر پیش از دو میلیون نفر از جمعیت شامل کشور بطور مستقیم در آن مشغول بکارند و بیش از یک چهارم جمعیت کشور بطور مستقیم و غیرمستقیم از آن بخش انرژی می‌کند و از همه بیشتر تنها بخش است که می‌تواند برای امنیت روز و تزیین و جوان کشور استقلال مولد فراهم نماید خطوط کلی پیشنهادی برای رفع مشکلات بحرانی این بخش و زمینه سازی برای رهایی از وابستگی ارائه می‌گردد. پیشنهادی که ارائه می‌گردد در دو سطح کلان و جزئی و کلی و جزئی است، که در سطح کلان متوجه مدیریت اقتصادی جامعه و بخش صنعت، و در سطح جزئی مخاطب این مدیریت اقتصادی در واحدهای صنعتی و کارخانجات خواهد بود.

بحرانی شد. گروه نقشه‌کده در مورد گروه پیشنهادی راز ارائه نمود
الف - واحدهای که تولید آنها به مواد و قطعات خارجی وابسته نیست و با دارای حداقل وابستگی است اقدامات و سیاست‌های زیر در مورد این واحدها پیشنهاد می‌شود:

1- اجرای برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای برای کارکنان این واحدها و استفاده از خدمات متخصصان فن شاسی و تکنولوژی، منظور کارمندی بیشتر علوم و دانش فنی در فرایند تولید و اجرای طرح‌های توسعه آینده است. واحدهای تولیدی، همین بهره‌مندی از بازار وسیع داخلی و بخت ستارگی و هدفانگی مواد اولیه، ماشین آلات، روش‌های مدیریت و مشاوره‌های تولیدی آنها با منابع و شرایط بومی و سنتی کشور، باید با استفاده از تجربیات خود و شرایط جدید اقتصادی کشور، به توسعه تولید و ارتقاء سطح کارهای جدید بپردازند.

2- طرح‌های توسعه‌ای که توسط این واحدها بیاورد می‌آید نباید صرفاً محدود به مقیاس‌های داخلی باشد بلکه ضروری است که صنایع بتوانند عنوان علمی توسعه‌کننده طرح‌های آنها مورد توجه قرار گیرد و مشرف‌های لازم برای بازارهای در خارج و توسعه صادرات در اختیار آنها قرار گیرد.

تفسیر خطوط تولید و مرتبط کردن فرایند تولیدی پارهای از واحدها با صنایع و فعالیت‌های تولیدی وابسته به کشاورزی و سرانه صنایع خدمات‌رسانه، در مقابلت با یکطرفه و افزایش تقاضای مواد غذایی در اثر چگ و رشد جمعیت از طرف دیگر، موجب افزایش تقاضا برای محصولات و نهادهای کشاورزی گردیده که زمینه مناسبی برای عبور تولید در واحدهای موجود و سرمایه‌گذاریهای جدید صنعت برای اجناسی بین‌تولیدی کشاورزی را فراهم نموده است. وابستگی بخشی از تجهیزات اختاری نظام بانکی و ستاره‌گردان انرژی اتمی، به واحدهای که با استفاده از نیروی انسانی خود بازاری طرح‌های تعمیر خط تولید می‌پردازند ضروری است.

در خاتمه یادآوری این نکته را ضروری می‌دانم که تاکنون استقلال اقتصادی درجهان تکنولوژیک انرژی، گروه توسعه صنعتی و صنعتی کرین فعالیتها در بخش‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی است در صنعت وابسته ماهر روز تلاشهای زیادی برای رهایی از وابستگی صورت می‌گیرد روز قطعه‌چینی ساخته می‌شود روز هر روز فکر کوچکی به ثمر می‌رسد اما همه این تلاشها متفرد و جدا از هم است. هرچه‌ای کوچک و جزئی است که نقشه‌ای برای پیوستن آنها طراحی و آماده‌شده است، بدون چنین نقشه و برنامه‌ای، صنعت نتواند توانست خود را از وابستگی برهاند و یکی از محروم‌های استقلال اقتصادی تبدیل گردد صنعت توسعه صنعتی را باید حتی در حرکت

صنایع کشتی سازی، قمارات اساسی، صنعت ذغال سنگ، نیروی بخار و صنایع وسائط نقلیه از جمله صنایعی هستند که تحت تاثیر جنگها در گذشته از پیشرفتهای قابل توجهی برخوردار شده‌اند.

حالیکه گردش‌های صنعتی ایران، روز از سال نامند ارز حاصل از فروش نفت به خارج است، چرخهای زندگی همه اقتصادهای غیر متضرر کشور ۱۳ روز از سال با نفت صادراتی ایران می‌چرخد.

برنامه ریزی توأم با سهمیه بندی و کنترل قیمتها و درآمدها توسط دولت ایزر طبیعی و منطقی مدیریت اقتصادی در سطح کلان در شرایط جنگ با معاصره اقتصادی است.

و سهم بیشتری از منابع وسیع کشور و درآمدها و پس انرژیهای جامعه را باین اختصاص داد.
اگر گردش چرخهای صنایع ایران، ۳۶۰ روز از سال نیازمند ارز حاصل از فروش نفت به خارج است، چرخهای زندگی همه اقتصادی غیر متضرر کشور ۱۳ روز از سال با نفت صادراتی ایران می‌چرخد اما تمام کجای چرخهای صنایع در حالت با نفت صادراتی ما روشن می‌شود، باید برآمدت آن صرف سرمایه‌گذاری برای استقلال اقتصادی کشور تاکنون تا روزی که تولید صنعتی ما نیز فقط ۱۳ روز در سال وابسته بفضای خارج باشد.

ب- واحدهایی که تولید آنها به مواد اولیه و واسطه و قطعات خارجی وابسته است. اقدامات زیر در مورد این واحدها پیشنهاد می‌گردد:
1- تهیه و تنظیم برنامه‌های مشترک بین واحدهای سنگین و باهم پیوند متفقون تهیه موجودیهای مواد اولیه و واسطه و قطعات دیگر، از یکطرف و ذخایر تکنیکی علمی و انرژی از طرف دیگر، مابین این واحدها اجرای این برنامه‌ها می‌تواند به ادامه تولید واحدهای قبضه در سطح حداقلی که بقای صنعت و استقلال را مستحکمتر سازد، کمک نماید.

2- تهیه و تنظیم برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای مشترک توسط واحدهای سنگین باهم پیوند بطور مستقیم و سازمانی است. در این واحدها، در شرایط خط تولید تولیدی این واحدها نیازهای متفقین می‌گردد و با زیر فرایند کار می‌کند. اجرای این برنامه‌ها به ارتقاء سطح فن کارکنان خط و اصلاح آن‌ها کمک می‌نماید. بدون است که در این مورد، دستکاری تولیدی به نفعی و لزوم کمک مالی خارج به خط اشتغال و اجرای برنامه‌های آموزشی مذکور خواهد بود و باید هزینه این کار بصورت سرمایه‌گذاری آموزشی و حرفه‌ای که در این حال موجب حفظ و نگهداری سرمایه‌انسانی واحدهای صنعتی و ارتقاء دانش فنی و توان تکنولوژیک در بخش صنعت می‌گردد، مورد قبول و حمایت واقع شود.

3- تهیه و تنظیم برنامه‌های پژوهشی مشترک توسط واحدهای سنگین با مشارکت و هماهنگی دانشگاهها و مراکز علمی و پژوهشی، دانشمندان و متخصصان مجرب رشته، منظور مطالعه در مشکلات خاص واحدها و خارج جزئی فنی و علمی آن مشکلات، با فرض تداوم شرایط موجود و عدم دسترسی واحدها بازارهای خارج برای تأمین مواد اولیه و واسطه دراینده امری موفقیت‌ساز است. لیکن برنامه‌ها با استفاده از ظرفیت‌های مراکز دولتی، علمی و خصوصی، می‌تواند درجهت انجام تقریرات مستعاری در همین رشته‌ها فراهم نماید.

مباحث
1. Katouzian, Homa: The Political Economy of Modern, Iran, Despotism and Pseudo- Modernism, 1988-1979, The Macmillan Press Ltd. 1981.
2. Miyoshi, M. and Fujiwara, K.: Survey of the Japanese Economy, Japan International Cooperation Agency.
3. Balloun, Bela: Structural Change in Trade in Manufactured Goods Between Industrial and Developing Countries, World Bank (Staff Working Paper No. 396), Washington Dc, 1980.
4. Winter, J. M. (ed): War and Economic Development, Cambridge University Press, 1975.
دک آرقام و اطلاعات این بخش سنتی در پیشنهادت نگارنده با استفاده از ملاحظه زیر است.
- مرکز آمار ایران، آمار کارگاههای بزرگ صنعتی کشور، سالهای اخیر.
- وزارت برنامه و بودجه، برآورد فرایند تولیدی بخش صنعتی ملی سالهای ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، تهران، ۱۳۶۱.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترانزاکشن، سالهای اخیر.
- پایزه مروی، ساختار تولید صنعتی ایران در گذشته و حال پیش‌بینی روند مطلوب آن، فصلنامه برنامه و توسعه، زمستان ۱۳۶۰، به‌مدت شماره اول - دوره اول، زمستان ۱۳۶۱.

۱- پیشنهادات کلی:

مقابله با شرایط بحرانی در بخش صنعت مستلزم تغییر اساسی در اولویهای اقتصادی جامعه، منع صنایع تولیدی، برپه صنعت است. در تخصیص منابع منجمد کشور، نیازهای این بخش بنظر اهمیت که از نظر اقتصادی و اجتماعی وارد باید در ریفب بخشهای اساسی دیگر نام شود. نه بصورت تحت دریافت‌کننده پیشنهادها، تا نام آذاری و برنامه‌ریزی و نظارت بر فعالیت‌های صنعتی کشور برای باسستی با تشخیص کارالریزان و مستحکم‌کن رهایی از سوداگران صنعتی، به تقویت و ترغیب سرمایه‌گذاری در بخش صنعت برپزه و موجب ارتقاء، مرفهت اجتماعی کارالریزان صنعتی، را در حد پیش‌رو، به بخشهای تعاونی و خصوصی فراهم نماید. سرمایه‌گذاری در رشته‌های متکی به منابع داخلی و تکنولوژی کاربر در مناطق عقب‌مانده و مناطق پرجمعیت باسستی بصورت یک ضرورت اقتصادی و اجتماعی است. از سوی دولت، نظام بانکی مورد تقویت و حمایت به‌چاپه قرار گیرد و نظامات آذاری محدودکننده، جایی خود را به نظام‌های مستقیم و هدایت‌کننده بگذرد. بالاخره سیاست‌های اقدامات مذکور که مناسبات و اجراء صنعتی توسعه صنعتی است، باسستی در چارچوب یک استراتژی صنعتی معین و منسب اعلام گردد تا موجب سوق دادن منابع فن‌تکنیکی جامعه، که در اکنون در معاری خدمت‌های بازرگانی و بطور تولید و سرمایه‌گذاری مولد فعالیت می‌کند، به سرمایه‌گذاریهای، مولد صنعتی و دارای نفع اجتماعی شود. اصلاح استراتژی توسعه صنعتی منسب، موجب تقادم و خالی در میان اقدامات مردم، واحدهای تولیدی و مدیریت بخش صنعت کشور می‌گردد و آنها را آگاهانه و غافلانه بسوی بازسازی اقتصادی، هدایت خواهد پیروزی در چینه تولیدی و سرمایه‌گذاری اقتصادی، طلب خواهد کرد.

۲- پیشنهادات جزئی:
واحدهای صنعتی را می‌تواند بر ارتباط با شرایط